

## بررسی تطبیقی ناقضیت وضو توسط خواب در دیدگاه مذاهب خمسّه\*

□ سید مهدی حسینی \*

□ سید حسین خادمیان نوش‌آبادی \*\*

### چکیده

یکی از موضوعات دارای اهمیت و در خور تحقیق در حوزه معارف قرآنی که بر عرصه‌های مختلفی از علوم اسلامی قابل تطبیق است، بحث از آیات الأحکام و بررسی آیات فقهی قرآن کریم از زوایای مختلف می‌باشد. از آنجایی که در قرآن کریم برخی احکام به صورت کلی بیان گردیده؛ لذا آشنایی با این احکام و بررسی ملاکات، شرایط و اقوال علمای مذاهب اسلامی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. یکی از این مباحث مهم، بحث از «نواقض و مبطلات» وضوست که براساس آراء و نظرات فقهای مذاهب، تعداد آن را می‌توان تا ده ناقض به شمار آورد. از جمله این نواقض، «خواب» است که با شرایط خاص و در حالات مختلفی، وضو را باطل می‌کند.

این پژوهش در صدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است که از نظر مذاهب اسلامی، خواب در چه شرایطی وضو را نقض می‌کند؟ لذا در تدوین این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، از منابع مختلف تفسیری، روایی، فقه مقارن و تاریخی استفاده شده است. از مهمترین نتایج این تحقیق این است که از جمله مبطلات وضو که در کتاب‌های مفصل فقهی، روایی و نیز در کتاب‌های فتوایی، فصلی تحت این عنوان منعقد شده، «خواب» می‌باشد و این مسأله اجمالاً مورد اتفاق «شیعه» و «سنّی» است. در اینکه چگونه خوابی ناقض وضوء است، هم در میان شیعه و سنّی و هم در میان خود فقهای چهارگانه اهل تسنن اختلاف نظر وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: نقض وضو، مبطلات وضو، مذاهب اسلامی، امامیه، شافعیه، مالکیه، حنفیه، حنابله.

---

\* دانش‌پژوه دکتری رشته فقه و معارف اسلامی، گرایش تفسیر و علوم قرآن جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمیه، قم، ایران

(نویسنده مسئول) (mah\_hoseini21@yahoo.com).

\* استادیار تاریخ اسلام دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

## مقدمه

از مباحث مهم در حوزه معارف اسلامی که ریشه در دو شاخه از دانش‌های اسلامی دارد، بحث از «آیات الأحکام» و به تعبیر دیگر «فقه القرآن» است که از یک سو، چون بررسی آیات قرآن است، جزء معارف قرآن، و از سوی دیگر چون سخن از احکام عملی اسلام است، بخشی از فقه اسلامی به شمار می‌رود.

قرآن غنی‌ترین منبع علوم و معارف اسلامی است در کنار بیان عقاید، اخلاق، تاریخ و غیره به عنوان اصلی‌ترین و اصیل‌ترین مصدر تشریح اسلامی در خلال آیات خود به بیان کلیاتی از فقه اسلامی نیز پرداخته و نمونه‌هایی از احکام عبادی، اجتماعی، قضایی، حقوقی و... را ارائه نموده است که دانستن آن برای پژوهش‌گران مطالعات قرآنی، به ویژه طلاب حوزه‌های علمیه از ضروریات است؛ چراکه یک کارشناس قرآنی می‌بایست به نحوه تشریح احکام، کمیت و کیفیت آن در قرآن آگاه باشد. (فاکری میبیدی، ص ۱۰)

در این پژوهش مختصر سعی شده است در مورد خواب -که یکی از نواقض و مبطلات وضو در دیدگاه مذاهب پنج‌گانه اسلام و از بحث‌های مرتبط با آیات الأحکام است- تحقیق و تتبع صورت گرفته و زوایاتی مختلف این مسأله مورد پژوهش قرار گیرد.

این تحقیق در سه بخش و عنوان کلی تدوین یافته است که عبارتند از: ۱- مفاهیم؛ ۲- مبطلات وضو از دیدگاه مذاهب اسلامی؛ ۳- و شرایط مبطل بودن خواب از نظر مذاهب. در بخش مفاهیم، واژه‌های نقض، وضو و مذاهب اسلامی (جعفری، حنبلی، شافعی، حنفی و مالکی) مورد واکاوی قرار گرفته و در مورد هر یک با توجه به حجم مقاله توضیحات داده شده است.

با توجه به اهمیت بررسی مبطلات وضو، در بخش دوم سعی شده است حتی الامکان به این مبطلات -و لو به صورت اجمالی و گذرا- پرداخته شود و نظرات پنج مذهب اسلامی در مورد آن‌ها بیان گردد.

در سومین مهم‌ترین بخش این مقاله شرایط بطلان وضو توسط خواب مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه‌های مذاهب مختلف به همراه برخی ادله و نکات مرتبط با آن توضیح داده شده است.

## ۱. مفاهیم

در این بخش، با توجه به عنوان مقاله، معنای واژه‌های «نقض»، «وضو» و «مذاهب خمسہ (جعفری، حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی)» مورد واکاوی قرار گرفته و اندکی در مورد آن‌ها توضیح داده می‌شود.

### ۱-۱. نقض

این واژه مشتقات فراوانی دارد؛ لذا دارای معانی گوناگونی می‌باشد؛ ولی آنچه که پس از تحقیق و تتبع مناسب‌تر به نظر می‌رسد همان معنای «بطلان» و «فساد» است که صاحب مجمع البحرین نیز به خوبی به آن اشاره نموده است: «انتقضت الطهارة: بطلت و فسدت و انتقض الوضوء كذلك» (طریحی، ج ۴، ص ۲۳۲)

### ۱-۲. وضوء

این واژه هم به فتح واو و هم به ضم آن قرائت شده که با توجه به قرائن موجود، آنچه که در این مقاله مورد نظر است، قرائت آن به ضم (وُضوء) می‌باشد و علمای لغت در معنای آن، این چنین نوشته‌اند: «و الوضوء بالضم، کل غسل و مسح يتعلق ببعض البدن بنية القربة و اصله من الوضاعة و هي الحسن، يقال: وضوء الرجل أي صار وضئاً... و قد يطلق على الإستنجاء و غسل اليد و هو شائع فيهما.» (همان)

### ۱-۳. مذاهب خمسہ

پس از رحلت حضرت رسول اکرم ﷺ تا قرن دوم و سوم هجری مسلمین خود را به مذهبی منسوب نمی‌کردند، بلکه فقط به نام اسلام مفتخر بودند تا این که اهل فتوی زیاد شدند و در اکثر مسائل فقهی اختلاف نظر پدید آمد.

بنی امیه و بنی عباس برای بسط قدرت شیطانی خود دست به دسایس سیاسی هولناکی زدند و نظرات فقها را تحت عنوان مذاهب مختلف مطرح کردند. بعد از یکصد سال جمعی را

حنفی، گروهی را مالکی، عده‌ای را شافعی، برخی را حنبلی قلمداد کرده و به جان یکدیگر انداختند. لازم به ذکر است که دست سیاست در تفرقه ملت اسلام دخالت مؤثر و مستقیم داشت و همواره یکی از حامیان اصلی این جریان‌ها بوده است. لذا با مطالعه شرح حال پیشوایان مذاهب مذکور می‌توان نتیجه گرفت که آن‌ها در ابتدا ادعایی جز استنباط احکام از قرآن و سنت نداشته‌اند، ولی حکام جائر بنی امیه و بنی عباس پیوسته سعی داشتند حقایق قرآن مجید و سنت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را مکتوم نگه داشته و از این طریق بین مسلمین تفرقه ایجاد کنند.

در این جا به شرح زندگانی اجماعی پیشوایان پنج‌گانه پرداخته و با این مذاهب کمی بیشتر آشنا می‌شویم.

### ۱-۳-۱. مذهب جعفری

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پیشوای مذهب جعفری بوده که در روز جمعه هفدهم ربیع الأول سال ۸۲ هجری در مدینه متولد شدند. ایشان در سال ۱۱۷ هـ در سن ۳۴ سالگی عهده دار مسؤولیت‌های پدر بزرگوارشان شدند. مورخین نوشته‌اند: در محضر ایشان علمای زیادی برای کسب دانش گرد می‌آمدند و بالغ بر چهار هزار نفر از امام جعفر صادق (ع) روایت، حدیث کرده‌اند. (مفید، ج ۲، ص ۱۲۱)

دوران امامت حضرت مقارن بود با کشمکش‌های سیاسی بنی امیه و بنی عباس. لذا ایشان از فرصت استفاده کرده، به نشر فرهنگ قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله پرداختند. امام صادق علیه السلام در سال ۱۴۸ هجری به دستور منصور دوانیقی مسموم شد و در سن ۶۵ سالگی شهید شده و در قبرستان بقیع کنار مرقد پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد. (پیشوایی، ص ۳۷۵)

### ۱-۳-۲. مذهب حنفی

پیروان ابوحنیفه را حنفی می‌گویند. نعمان بن ثابت بن فردوس (ذو طی) در سال ۸۰ هجری در کوفه به دنیا آمد. ثابت پدر ابوحنیفه تاجری مرفه الحال بود.

ابوحنیفه ابتدا به کار تجارت و پوستین دوزی اشتغال داشت. سپس به تحصیل علم پرداخت. مدّت هجده سال نزد حماد و ابراهیم نخعی و شعبی، فقه و حدیث آموخت. بعد از مرگ حماد، ابوحنیفه مستقلاًّ عهده دار تدریس شد و در ترویج عقایدش متّکی به قرآن کریم و سنّت نبوی و اجماع و قیاس و استحسان بود.

سرانجام ابوحنیفه مغضوب منصور، خلیفه عباسی شد و در اثر شکنجه به سال ۱۵۰ هجری در زندان درگذشت. (مغنیه، ص ۸)

### ۳-۳-۱. مذهب مالکی

طرفداران مذهب مالکی، پیروان مالک بن انس بن مالک ابو عبدالله اصبحی هستند. وی در سال ۹۳ هجری در شمال مدینه موسوم به ذو المّرّة به دنیا آمد.

ابتدا به حفظ و قرائت قرآن پرداخت، سپس از ربیعة الرّأی، فقه و حدیث را تعلیم گرفت. بعد از او از ابن شهاب زهری و نافع مولی عبد الله بن عمرو بن هرمز که از فقها و محدّثان مدینه بود، اخذ حدیث کرد.

او استنباط مسائل فقهی را بر احادیث گذشته بود. از این رو درجه علم و فقاہت او در حدیث، فوق فقهای دیگر اهل سنّت است. اغلب در استنباط و استخراج احکام از قیاس استفاده می کرد.

مالک در روز چهاردهم جمادی الأوّل سال ۱۷۹ هجری در مدینه وفات یافت.

### ۳-۳-۲. مذهب شافعی

پیروان این مذهب، ابو عبد الله شافعی را به عنوان پیشوای مذهبی خود برگزیده اند. محمّد بن ادریس مکنّی به ابو عبد الله شافعی و مادرش فاطمه بنت عبید الله بن حسن بن حسین بن علی از قبیله «ازد» بود و بعضی از منابع می گویند که وی علوی بود.

وی در سال یکصد و پنجاه هجری بعد از درگذشت ابوحنیفه در شهر غزّه واقع در فلسطین تولد یافت. او از عنفوان شباب به مجالست با فقها رغبت فراوان داشت و در هفت سالگی قرآن

را حفظ کرد و سپس نزد مسلم بن خالد مفتی مکه به فراگرفتن فقه پرداخت. در مدینه در محضر درس مالک بن انس به تحصیل پرداخته و در سن بیست و پنج سالگی در علم فقه و حدیث به درجه کمال رسید و از روش طرفداران رأی و حدیث دقیقاً آگاهی یافت. شافعی در سال ۲۰۰ هجری به مصر رفت و بیشتر رسائل و کتب خود را در آنجا نگاشت. سرانجام در ماه رجب سال ۲۰۴ هجری در قاهره وفات یافت.

### ۵-۳-۱. مذهب حنبلی

به پیروان و طرفداران احمد بن محمد بن حنبل، «حنبلی» می‌گویند. وی در سال ۱۶۴ هجری در بغداد متولد شد. پدرش اصلاً از مردم مرو بود. وی از کودکی پدر خود را از دست داد و مادرش تربیت او را به عهده گرفت. زندگی او همواره با فقر و تنگدستی همراه بود و برای امرار معاش غالباً در مزارع کار می‌کرد و یا در مقابل استنساخ کتاب اجرتی می‌گرفت. احمد نخست قرآن مجید را حفظ کرد و در ۱۶ سالگی نزد محدثان و فقهای زیادی حدیث و فقه آموخت که معروف‌ترین آنان امام شافعی و ابو یوسف قاضی و وکیع بن الجراح بودند. ابن خلکان گوید: احمد از اصحاب و شاگردان خاص امام شافعی بوده است. او علاوه بر محدثان و فقهای بغداد به بیشتر شهرهای اسلام مانند یمن، مکه، مدینه، بصره، کوفه و شهرهای سوریه سفر کرد و به هر شهری که می‌رسید نزد محدثان می‌رفت و به گردآوری حدیث می‌پرداخت.

جنبه محدث بودن احمد بر جنبه فقیه بودنش برتری دارد؛ از این رو فقه او از حدیث و سنت استنباط شده است. ابن حنبل خود را محدث می‌شمرد نه فقیه و مجتهد و مفتی. او از روی حدیث فتوا می‌داد و اگر در مسأله‌ای منبع حدیث پیدا نمی‌کرد، مجبور می‌شد به استنباط اجتهادی و احیاناً قیاس متوسل شود.

پیروان احمد بن حنبل در طرفداری از حدیث و مخالفت با قیاس و اجتهاد به رأی، چنان پیش رفته‌اند که حتی خبرهای ضعیف و خبر واحد را بر قیاس و رأی ترجیح داده‌اند.

سرانجام در روز دوازدهم ربیع الأول ۲۴۱ هجری در بغداد درگذشت و همانجا مدفون شد. (همان، ص ۱۱)

## ۲. مبطلات وضو در نگاه مذاهب خمسہ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (مانده: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که برای نماز به پا خاستید صورت و دست‌ها را تا آرنج بشوئید و سر و پاها را تا مفصل (یا برآمدگی پشت پا) مسح کنید و اگر جنب باشید خود را بشوئید (غسل کنید) و اگر بیمار یا مسافر باشید یا یکی از شما از محل پستی آمده (قضای حاجت کرده) یا با زنان تماس گرفته باشید (آمیزش جنسی کرده‌اید) و آب (برای غسل یا وضو) نیابید با خاک پاکی تیمم کنید و از آن بر صورت (پیشانی) و دست‌ها بکشید، خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند، بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام ناید، شاید شکر او را به جا آورید (همان)

در این بخش سعی شده است با توجه به تفسیر آیه شریفه فوق که علاوه بر بیان حکم غسل و تیمم، حکم وضو را نیز تعیین نموده، ابتدا به صورت اجمالی به بررسی موجبات و نواقض وضو از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه پرداخته و در ادامه به بیان تفصیلی آراء و نظریات فقهای مذاهب مختلف اسلامی در مورد خواب - که یکی از مبطلات وضوست - اشاره گردد.

به طور کلی در دیدگاه مذاهب پنج‌گانه اسلامی وضو به یکی از موارد زیر باطل و نقض

می‌شود:

### ۲-۱. بول، غائط، باد

تمام مذاهب اتفاق دارند که اخراج بول و باد و مدفوع، وضو را باطل می‌کند. اما از نظر شافعیه و حنفیه و حنابله بیرون آمدن کرم و ریگ و خون و چرک نیز وضو را باطل می‌کند و مالکیه گفته‌اند: اگر این‌ها از معده به وجود آمده باشد باطل نمی‌کند و هرگاه در آن به وجود نیامده مانند این‌که سنگ خورده و از مخرج بیرون آمده باطل می‌کند و امامیه گفته‌اند: اگر به کثافات معده ملوث شده باشد وضو را باطل می‌کند و الا آن را باطل نمی‌کند (طوسی، ج ۱، ص ۱۰)

### ۲-۲. مذی و وذی

نزد مذاهب چهارگانه مذی و وذی وضو را باطل می‌کند ولی نزد امامیه باطل نیست. مالکیه استثنا کرده‌اند که اگر کسی عادت به آمدن مذی داشته باشد وضو را باطل نمی‌کند (مغنیه، ص ۳۵).

### ۲-۳. رفتن عقل

با توجه به این‌که این پژوهش در صدد بررسی خواب - که یکی از مصادیق رفتن عقل است - می‌باشد، بحث تفصیلی در این باره در انتهای همین مبحث به زودی خواهد آمد.

### ۲-۴. منی

یکی دیگر از مبطلات وضو منی می‌باشد. علامه محمد جواد مغنیه در بیان دیدگاه مذاهب مختلف اسلامی در این باره می‌نویسد:

ینقض الوضوء عند الحنفیة و المالکیة و الحنابلة و لاینقضه عند الشافعیة، و قال الشیعة: المنی یوجب الغسل دون الوضوء (مغنیه، ص ۷۱) نزد حنفیه و حنابله و مالکیه با بیرون آمدن منی وضو باطل می‌شود، ولی نزد شافعیه باطل نیست و امامیه گفته‌اند: منی موجب غسل است نه وضو.»



## ۲-۵. لمس

در اینکه آیا لمس مبطل وضو هست یا نه و اگر ناقض می‌باشد، چه لمسی مبطل محسوب می‌شود، بین علما و فقهای مذاهب مختلف اختلاف زیادی وجود دارد.

شافعیه گفته‌اند: چنانچه شخص با وضو زن نامحرم را بدون حائل لمس کند وضویش باطل است اگر زن، نامحرم نباشد، مانند مادر و خواهر، وضویش باطل نمی‌شود.

حنفیه گفته‌اند: اگر لمس با بلند شدن آلت باشد وضو باطل است.

امامیه گفته‌اند: لمس هرگز اثر ندارد.

این مطالب راجع به لمس زن بود.

اما اگر شخص وضو دار، قبل و دبر خود را بدون مانع لمس کند، امامیه و حنفیه گفته‌اند: وضو درست است ولی شافعیه و حنابله گفته‌اند: لمس چه با کف دست یا پشت دست باشد، مطلقاً وضو را باطل می‌کند، اما از مالکیه روایتی است که اگر مس با کف دست باشد ناقض وضو است، ولی اگر با پشت دست باشد باطل نیست. (ابن رشد، ج ۱، ص ۲۴)

البته در تفاوت بین لمس و مس باید به این نکته نیز توجه داشت که لمس، تلاقی پوست بدن است مطلقاً اما مس، فقط تلاقی کف دست و انگشتان دست است.

## ۲-۶. استفراغ (قی کردن)

استفراغ نزد حنابله وضو را باطل می‌کند و نزد حنفیه اگر دهان پر شد وضو باطل می‌شود ولی نزد شافعیه، امامیه و مالکیه باطل نیست.

## ۲-۷. خون و چرک

نزد امامیه، شافعیه و مالکیه چنانچه خون و چرک از بدن -غیر از دو مخرج- خارج شود، وضو را باطل نمی‌کند و نزد حنفیه اگر از محل خروجش تجاوز کند وضو باطل است. نزد حنابله اگر خون و چرک و زیاد باشد وضو باطل است. (مغنیه، ص ۷۳)

### ۲-۸. خنده صدا دار (قهقهه)

به اجماع مسلمین خنده با صدای بلند نماز را باطل می‌کند ولی وضو را در صورتی که داخل نماز یا خارج آن باشد، باطل نمی‌کند، مگر نزد حنفیه؛ چون گفته‌اند: خنده صدا دار هرگاه در اثنای نماز باشد، وضو باطل می‌شود ولی در خارج نماز وضو صحیح است.

### ۲-۹. گوشت شتر

«إذا أكل المتوضئ لحم جزور ينتقض وضوءه عند الحنابلة فقط: (همان، ص ۷۴) فقط نزد حنابله با خوردن گوشت شتر وضو باطل می‌شود.»

### ۲-۱۰. خون استحاضه

علامه حلی از فقهای بزرگ امامیه در کتاب شریفش می‌فرماید: «خون استحاضه هرگاه م بود وضو واجب است.» (حلی، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰) علمای امامیه جز ابن عقیل نیز این چنین گفته‌اند. اما مالکیه معتقدند بر زن مستحاضه وضو نیست.

### ۳. شرایط مبطل بودن خواب از منظر مذاهب اسلامی

از جمله اموری که مبطل و ناقض وضو است «خواب» می‌باشد؛ لذا در کتاب‌های مفصل فقهی، روایی و نیز در کتاب‌های فتوایی، فصلی تحت این عنوان منعقد شده است. فقهای شیعه در این مورد گفته‌اند: از جمله نواقض وضو، خواب است؛ کم باشد، یا زیاد، در حال ایستاده باشد یا نشسته، به پهلو باشد یا در حال راه رفتن، البته به شرط این که خواب به قلب و چشم و گوش او چیره شود. بنابراین «چرت زدنی» که به این حدّ از خواب نرسد، وضو را باطل نمی‌کند. (یزدی، ص ۶۱)

اجمال این مسأله مورد اتفاق «شیعه» و «سنّی» است، اگرچه به برخی از فقهای هر دو فرقه نسبت مخالفت داده‌اند. برای نمونه از اهل سنّت به «اوزاعی» و از شیعه به مرحوم «صدوق» و پدرش نسبت داده‌اند. ولی برخی از فقهای معاصر این نسبت را به صدوق و پدرش، دور از واقعیت و مردود دانسته‌اند. (خویی، ج ۴، ص ۴۸)

در اینکه چگونه خوابی ناقض وضوء است، هم در میان شیعه و سنی و هم در میان خود فقهای چهارگانه اهل تسنن اختلاف نظر وجود دارد که ذیلاً به توضیح مواردی از آن می‌پردازیم:

### ۱-۳. آراء و نظریات فقهای شیعه

فقهای شیعه گفته‌اند: خوابی وضو را باطل می‌کند که بر دل مستولی و چیره شود، تا آن‌جا که شعور و احساس را از کار بیاندازد. و به تعبیر دیگر: خواب واقعی ناقض وضو است و نشانه و علامت آن این است که بر گوش و چشم مستولی و چیره می‌شود. (همان) البته تعبیراتی از قبیل مستولی بر «دل»، «چشم» و «گوش»، برگرفته از روایاتی است که از امامان معصوم علیهم‌السلام رسیده است. (حر العاملی، ج ۱، باب ۳، ح ۲ و ۷)

لذا این‌گونه تعبیر هم در کتاب‌های فقهی نخستین شیعه و هم در منابع فقهی معاصر آمده است و غالباً فقهای شیعه دو تعبیری که در روایات آمده است را به کار برده‌اند: یکی «خواب غالب بر عقل» (خویی، ج ۱، ص ۴۲) و دیگری «خواب غالب بر چشم و گوش». (طوسی، ص ۲۶۶- امام خمینی، ج ۱، ص ۲۷)

البته اختلاف این دو تعبیر به این معنا نیست که فقهای شیعه در تعریف خوابی که ناقض است اختلاف نظر دارند، بلکه تعبیر نخست، به تبیین اصل و واقعیت خواب ناقض پرداخته، و تعبیر دوم به نشانه‌های آن اشاره کرده است؛ لذا برخی از فقها از هر دو عبارت و تعبیر استفاده نموده و چنین گفته‌اند:

«چهارم از نواقض وضو «خواب غالب بر عقل» است و راه شناخت چنین خوابی غلبه آن بر گوش و چشم است.» (خویی، ج ۱، ص ۴۲)

### ۲-۳. دلیل فقهای شیعه

اولین و مهم‌ترین دلیل فقهای شیعه از سلف تا معاصرین، آیه وضو است که مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى

الْمَرَافِقِ (مانده: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به نماز برخاستید صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشوید.

از فقهای نخستین شیعه، مرحوم سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ هـ ق) در «ناصریات» (علم الهدی، ص ۲۲۲) و «الانتصار» (همان، ص ۱۰۴) و ابن زهره (۵۱۱-۵۸۵ هـ ق) در «الغیبة» (حلبی، ص ۴۸۷) اظهار داشته‌اند:

«چنانکه تمام مفسرین در تفسیر این آیه گفته‌اند: مقصود از آن، «إِذَا قُمْتُمْ مِنَ النُّوْمِ» است، یعنی چون از خواب برخاستید، برای نماز، وضو بگیرید». برخی از فقهای بزرگ معاصر نیز در بیان دلایل حکم مورد بحث، به این آیه اشاره نموده‌اند. (خویی، ج ۴، ص ۴۷۹) گذشته از این که فقهای مذکور در استدلال به آیه، اجماع مفسرین را مطرح کرده‌اند، آنچه برای فقهای شیعه مهم است، این است که امام معصوم نیز چنین تفسیری از آیه نموده است، چنان که در حدیث موثقی از «ابن بکیر» نقل شده است که می‌گوید:

به امام صادق (ع) عرض کردم: معنای آیه «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ . . .» چیست؟ حضرت فرمود: «یعنی هرگاه از خواب برخاستید» عرض کردم: خواب وضو را باطل می‌کند؟ فرمود: «هرگاه بر گوش غالب آید و صدا را نشنود» (حر عاملی، ج ۱، باب ۶، ح ۷) لذا فقهای شیعه بر اساس تفسیر آیه و تبیین امام معصوم عليه السلام فتوا داده‌اند که خواب، خود حدث و ناقض وضو است. (طباطبایی، ج ۵، ص ۳۷۷)

بنابر نقل «ابن رشد قرطبی» - از فقهای قرن پنجم اهل سنت - در «بداية المجتهد» برخی از فقهای اهل سنت نیز در مورد ناقض بودن «خواب» به این آیه استدلال کرده‌اند. (ابن رشد قرطبی، ج ۱، ص ۳۶)

### ۳-۳. نظریه فقهای اهل سنت

ابن رشد نظریه فقهای اهل سنت را در مورد ناقض بودن «خواب» به سه دسته تقسیم می‌کند:

الف: گروهی آن را -چه اندک باشد، چه بسیار- حدث و ناقض وضو می دانند (مانند شافعی و حنبلی که بر این نظریه اند).

ب: دسته ای دیگر آن را حدث و موجب وضو نمی دانند مگر این که یقین کند در خواب حدثی از او سر زده است (خدانظر، ج ۱، ص ۱۲)

ج: گروه سوم فرق نهاده اند میان خواب سبک، و خواب سنگین و تنها دومی را ناقض وضو دانسته اند. نظریه اکثریت فقهای اهل تسنن همین است. (ابن رشد، ج ۱، ص ۳۶-۳۷)

### ۳-۴. ریشه یابی مسأله

یادآوری این نکته لازم است که این مسأله از این جا ریشه می گیرد که آیا «خواب» خود حدثی است مستقل و موجب نقض وضو؟ یا این که خواب موضوعیت ندارد ولی چون در حال خواب بدن سست می شود و ممکن است موجب حدثی دیگر شود، از این جهت ناقض وضو است؟ فقهای شیعه براساس روایات امامان معصوم علیهم السلام و آیه وضو، خواب مستولی بر چشم و گوش را به طور «مطلق» ناقض می دانند، چه در حال ایستاده، چه نشسته و چه در حالات دیگر و این معنا صراحتاً در روایتی از معصوم علیهم السلام آمده است که فرموده: «النوم حدث» (حر عاملی، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۴) که خود خواب را حدث معرفی نموده است. بر این اساس در کلمات فقهای شیعه در اعصار نخستین، در شمارش نواقض وضو چنین آمده است: «و النوم فإنه بمجرد حدّ» (حلبی، ص ۴۸۷) خواب، خود حدث است.

و برخی با تعبیر دیگر آن را از جمله حدثها دانسته و گفته اند: «من الأحداث الموجبة للوضوء النوم» (مفید، ص ۳) از جمله حدثهای ناقض وضو، خواب است.

### ۳-۵. آیا ناقض بودن خواب برای وضو از ویژگی های فقه امامیه است؟

فقهای حنبلی و شافعی با نظریه فوق موافقند، آنان معتقدند که:

«النوم ینقض الوضوء بنفسه» (جزیری، ج ۱، ص ۸۰) خواب به تنهایی ناقض وضو است.

مرحوم سید مرتضی علم الهدی در دو کتاب خود «الانتصار» و «ناصریات» به موافقت فقهای شافعی با نظریه امامیه اشاره نموده است. (علم الهدی، ص ۲۲۲) و در الانتصار که فتاوی ویژه شیعه را نقل می‌کند در این مورد چنین می‌گوید:

«از اموری که گمان برده شده از ویژگی‌های فقه «امامیه» است، ناقض بودن «خواب» برای وضو است، ولی این از اختصاصات شیعه امامیه نیست؛ زیرا که «مزنی» شافعی نیز چنین نظریه‌ای دارد.» (همان، ص ۱۰۴)

حنبل‌ها در این زمینه گفته‌اند: خواب نقض وضو می‌کند در هر حالتی که باشد، مگر این‌که از نظر عرف، خواب اندکی باشد که وضو را باطل نمی‌کند، شافعی‌ها نیز گفته‌اند خود خواب ناقض وضو است، اگرچه یقین داشته باشد که حدیثی دیگر از او صادر نشده است. (جزیری، ج ۱، ص ۸۰)

الحنابلة قالوا: النوم ينقض الوضوء بنفسه، حتى ولو وضع مقعدته على أي شيء يأمن معه خروج ریح الأذا كان النوم يسيراً. الشافعية قالوا: النوم ينقض بنفسه إن نام بدون أن يمكن مقعدته من الأرض ونحوها ولو تحقق عدم خروج الحدث.

در مقابل نظریه فوق، نظریه دیگری از اهل تسنن است که خود خواب را حدث نمی‌داند، بلکه از آن جهت که پیدایش حدث دیگری بر آن مترتب است، مبطل می‌دانند. از نظر فقهای حنفی خواب در سه حالت ناقض وضو است:

الحنفية قالوا: إنما ينقض النوم في ثلاثة أحوال: الأول: أن ينام مضطجعا - على جنبه - الثاني: أن ينام مستلقياً على قفاه، الثالث: أن ينام على احد ورکه، لأنه في هذه الأحوال لا يكون ضابطاً لنفسه لاسترخاء مفاصله: (همان)

۱. خوابیدن به پهلو؛

۲. خوابیدن به پشت؛

۳. خواب نشسته‌ای که یک پا را از زیر بدن خارج نماید و بر یک پا تکیه کند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، نزد فقهای حنفی «حالات و نحوه خوابیدن» در حکم به بطلان وضو و عدم حکم به بطلان، مؤثر است؛ زیرا «خواب» در نظر آنان موضوع حکم نیست بلکه «حالتی که موجب بروز حدث می‌شود»، موضوع حکم است.

این نکته قابل دقت است که کلمات فقهای سلف شیعه که به صورت اطلاق، حکم به ناقض بودن خواب نموده‌اند، بدون آن‌که حالت خاصی در آن دخیل باشد، ناظر به فتوای این دسته از فقهای اهل سنت است. به عنوان نمونه: ابن زهره در الغنة (حلبی، ص ۴۸۷) می‌گوید: «فإنه (نوم) بمجرد حدث من غير اعتبار بأحوال النَّائم» و در عروة الوثقی (یزدی، ص ۶۰) سید کاظم یزدی فرموده است: «التراب التَّوْم مطلقاً».

فقهای مالکی در حالات شخص خوابیده تفصیل نداده‌اند، بلکه در خود خواب تفصیل قائل شده‌اند، به این صورت که اگر خواب سنگین باشد در هر حال ناقض وضو است، اگر چه مدّت کوتاهی باشد و اگر سبک باشد، ناقض نیست اگر چه مدّتی طول بکشد. (جزیری، ج ۱، ص ۸۰)

### ۳-۶. نکته

باتوجه به تفصیلاتی که فقهای اهل تسنن و تشیع در مورد ناقض بودن «خواب» مطرح کرده‌اند، آنچه گاهی در حرم مکه و مدینه مشاهده می‌شود که شخصی در حال نشسته ساعتی می‌خوابد و بعد بدون تجدید وضو نماز می‌خواند، بنابر فتوای فقهای شیعه، شافعی، و حنبلی مورد اشکال است.

### نتیجه

در پایان این بخش به عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی بحث ناقضیت وضو توسط خواب، به گفتار علامه محمد جواد مغنیه در کتاب *الفقه علی المذاهب الخمسة* اشاره می‌کنیم: ایشان معتقد است:

«نزد تمام مذاهب، رفتن عقل چه از روی مستی و یا جنون یا بی هوشی یا اغما باشد، وضو را باطل می‌کند:

۱. امامیه گفته‌اند: خواب اگر بر قلب و گوش و چشم به طوری غلبه کرد که شخص خوابیده سخن حاضرین را نشنود و نفهمد و کسی را نبیند، اعم از این که دراز کشیده و یا ایستاده یا نشسته بخوابد وضویش باطل است.

۲. رأی حنابله نزدیک به این مضمون است.

۳. حنفیه نیز گفته‌اند: اگر شخصی که وضو دارد دراز بکشد یا به کسی تکیه کند یا به یکی از دو پایش تکیه کند و بخوابد وضویش باطل است و همچنین هرگاه نشسته یا ایستاده یا در حال رکوع یا در حال سجود بخوابد وضویش باطل نیست، بنابراین اگر کسی در یکی از حالات نماز بخوابد وضویش باطل نمی‌شود، اگرچه خوابش طول بکشد.

۴. شافعیه گفته‌اند: اگر محل خروج باد محکم باشد به طوری که شبیه دهانه بطری بسته باشد و بخوابد وضویش باطل نمی‌شود.

۵- مالکیه بین خواب سبک و سنگین فرق قائل شده‌اند؛ هرگاه خواب سبک باشد یا وضو دار به خوابی سنگین و کوتاه برود در صورتی که مخرج او بسته باشد وضو باطل نمی‌شود، ولی هرگاه خواب سنگین و طولانی بوده، خواه مخرج بسته یا باز باشد وضو باطل است.  
(مغنیه، ص ۳۵-۳۶)



## کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم؛ هجرت، ۱۳۸۴ش، چاپ چهارم.
- الجزیری، عبد الرحمان، الفقه علی المذاهب الأربعة، بیروت؛ دار الفکر، بی تا.
- الحلبي، ابن زهرة، غنية النزوع الى علمي الأصول و الفروع، قم، مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، ۱۴۱۷ق.
- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسيلة، نجف اشرف: مطبعة الآداب، ۱۳۹۰ق، الطبعة الأولى.
- السيوطي، جلال الدين، الدر المنثور في التفسير المأثور، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۲ق.
- الشيخ الطوسي، التّهایة فی مجرد الفقه و التّفاوی (ضمن جوامع الفقهية)، قم: قدس محمدی، بی تا.
- \_\_\_\_\_، تهذیب الأحكام، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ق.
- شيخ مفید، الإرشاد، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۵ش.
- \_\_\_\_\_، المقنعة، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- طباطبایي یزدی، سید کاظم، عروة الوثقی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طباطبایي، سید محمّد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲.
- الطّریحي، فخر الدّین، مجمع البحرين، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ش، چاپ سوم.
- العاملی، حرّ، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۳۷۲ش، چاپ سوم.
- العلامة الحلبي، تذكّرة الفقهاء، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق، الطبعة الثانية.
- علم الهدی، السید الشریف المرتضی، الانتصار، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- \_\_\_\_\_، مسائل الناصريات، طهران: رابطة الثقافية و العلاقات الإسلامية، ۱۴۱۷ق.
- فاکری میبدی، محمّد، آیات الاحکام، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۸۹.
- القرطبي، ابن رشد، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۵م.
- المصري، ابن منظور، لسان العرب، قم: ادب الحوزة، ۱۳۶۳ش، ذیل واژه‌های مورد نظر.

- مغنیه، محمد جواد، *الفقه علی المذاهب الخمسة*، قم: دار الكتاب الإسلامی، ۱۴۲۲ق.
- \_\_\_\_\_، *فقه تطبیقی*، ترجمه کاظم پور جواد، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۸۴.
- الموسوی الخویی، السید أبو القاسم، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی (تقریرات فقه)*، قم: دار الهادی للمطبوعات، ۱۴۱۰ق، الطبعة الأولى.
- \_\_\_\_\_، *منهاج الصالحین*، قم: مدینة العلم، ۱۴۱۰ق، الطبعة الأولى.